

شعرهای



دوستی خوبه

دیدم، دیدی، دیدم
خندیدی، خندیدم

پیش آمدی کم کم
پیش اومدم من هم

من این جا، تو آن جا
دوستیم با هم حالا

دوستی خوبه، به به
بازی، شادی، قه قه

مصطفی رحماندوست

کی دوست من می شه؟

کبوتره یه دوست می خواست
داد زد و گفت: «بقو بقو»
کی دوست من می شه، بگید
گنجشکه اومد پیش او

گنجشکه گفت: «اما فقط
من جیک و جیک جیک بلدم
بق بق بقو یادم بده
حالا که پیشت اومدم»

افسانه شعبان نژاد

کتابخانه: کتابخانه

کتابخانه

دوستی

دوستِ تازه

یه دوست تازه دارم
که خیلی مهربونه
روزها می آد تو ایوون
برام آواز می خونه

من می شینم کنارش
دون می ریزم تو بشقاب
بعدش می رم می آرم
براش یه کاسه ی آب

می شینه توی ایوون
می خوره آب و دونه
سیر که می شه، با جیک جیک
برام آواز می خونه

اسدالله شعبانی

جعفر ابراهیمی (شاهد)

گنجشکا و بچه ها

درختِ توتِ کوچه
گنجشکارو دوست داره
برای بچه ها هم
بارونِ توت می باره

گنجشکا و بچه ها
توت می خورند شادِ شاد
غم های کوچه مون رو
فوت می کنند توی باد

